



بووه و سقوط به **سریB** ؟

لیونل مسی خاطرات مارادونا را زنده می کند

آتری ؛ «همه چیز» فرانسه

۲۲



بیم و امید در اردوی سوئیس

برانکو : امکان ندارد فیفا تسلیم شود

زورینجه : ایوبچ گفت می‌دانستم بالاخره...

۲۳

بیدارشو آقای قلعه‌نویی

مقاومت رضا حسن زاده تمام شد

قانون بیات، بعد از قانون بوسمن



دقیقه صفر

آسمان همه جا همین رنگ است

کاوه محبوب

همگروهی ایران و مکزیک در مسابقات جام جهانی فارغ از رویارویی دو تیم ملی فوتبال به آشنایی بیشتر این دو ملت منجر خواهد شد. مکزیکی‌ها مثل ایرانیان خون‌گرم و خانواده‌دوست هستند و البته عاشاق سینه‌چاک فوتبال. آنها هم مثل همسایه‌های جنوبی خود در قاره آمریکا شیفته فوتبال هستند و این عشق مثل خون در رگ‌های بزرگ و کوچک جاری است.

اگر بچه‌های تهران، تبریز و اهواز با توپ پلاستیکی و تیردروازه‌های دست‌ساز صبح تا شب‌شان را به جست‌وخیز می‌گذرانند در مکزیکوسیتی گوادالاھارا و تیوآناه هم توپ‌های پارچه‌ای و لاستیکی پای برهنه بچه‌ها را نوازش می‌دهد.

مکزیک دو بار میزبان جام جهانی بوده و سعی کرده در کنار کشورهای دیگر آمریکای جنوبی هویت ویژه‌ای برای خود دست و پا کند و قطعاً به‌دست آوردن عنوان سرگروهی در جام جهانی ۲۰۰۶ هم ثمره تلاش و ثبات مکزیکی‌ها در فوتبال دنیا بوده است. با این حال هنوز هم بعضی از کشورها سرگروهی مکزیک را با دیدها شک و تردید نگاه می‌کنند و احتمالاً این موضوع انگیزه بیشتری به بازیکنان سبزپوش مکزیک برای درخشش بیشتر در جام جهانی می‌بخشد. آنها مثل جام کنفدراسیون‌ها که سرسختانه در فینال برزیل را شکست دادند سعی دارند از جام جهانی ۲۰۰۶ هم یادگار با ارزشی نصیب خود کنند.

مکزیکی‌ها در ایالات متحده اتباع فراوانی دارند و مثل ایرانی‌ها تشکیل‌دهنده بزرگترین اقلیت‌های نژادی محسوب می‌شوند. جالب است که ریکاردو لاوولیه مربی آرژانتینی مکزیک هم درست مثل همتای کرواتش در ایران با انتقادات فراوانی مواجه شده است.

از طرف دیگر کارشناسان فوتبال مکزیک را دچار

نوسان می‌دانند و می‌گویند بازی آنها بگیر و نگیر دارد. گاهی برزیل و آرژانتین را شکست می‌دهند و گاهی در برابر تیم‌های ضعیف در می‌مانند. به هر حال فوتبال‌دوستان ایرانی امیدوارند که در یازدهم ژوئن مکزیک روز «بدش» باشد و ایران در اوج...

بررسی اوضاع و احوال بعضی از تیم‌ها از جمله مکزیک و انگلستان نشان می‌دهد که اوضاع سرمرپی تیم ملی ایران نسبت به همقطاران‌ش در دنیا چندان هم غیرقابل تحمل و وحشتناک نیست. اگر برانکو از انتقادات مطبوعات و رسانه‌های ایرانی گله می‌کند و آنها را عاملی در تضعیف تیم ملی برمی‌شمرد، در آن‌سوی کره‌زمین هم اوضاع برای لاوولیه، اریکسون و چند تن از مربیان حاضر در جام جهانی به مراتب بدتر است.

اسون گوران اریکسون که مدت‌ها است از دست پاپاراتزی‌های روزنامه‌سان، میرو و بقیه نشریات عوام‌پسند لندن‌نی تا مرز دیوانگی پیش رفته و ظاهراً برای شروع و خاتمه جام جهانی و پایان کارش بی‌تابی می‌کند از همین حالا هم جانشین او انتخاب شده اما جالب است که اینده استیو مک لارن مربی موفق میدلزبورو هم چندان روشن نیست. مطبوعات انگلستان درست در روز اعلام نام وی به عنوان سرمرپی آتی تیم ملی عکس‌های غیرمتعارفی از وی چاپ کردند تا از همان روز اول گریه را دم حجله کشته باشند.

در مکزیک هم اوضاع ریکاردو لاوولیه با وضعیتی خفیف‌تر نسبت به اریکسون ادامه دارد. این روزها فشار انتقادات به لاوولیه به خاطر به بازی گرفتن دامادش در تیم ملی مکزیک به شدت افزایش یافته، اما مرغ لاوولیه همچنان یک‌پا دارد و حاضر نیست که از مواضعش عقب‌تر برود.

در آلمان هم شرایط مناسبی برای کلینزمن متصور نیست و بازی‌های بد تیم ملی آلمان حتی بزرگترین حامی تیم ملی یعنی فرانتس بکن باوئر را به واکنش واداشته است. قیصر چند روز قبل اعلام کرده که نمایش ضعیف آلمان در جام جهانی قطعاً به ترک هر کاری با یورگن کلینزمن خواهد انجامید و البته کلینزمن هم چندنان حاضر به تعدیل تصمیم‌گیری‌های ناگهانی‌اش نشده. او فعلاً لُمن را به کان ترجیح داده و به همین خاطر با باشگاه بایرن‌مونیخ درآتشاده است و انتقادات بعضی از هم‌بازیان سابقش مثل لوتار ماتئوس هم شدت گرفته و اساس تاکتیکی تیم ملی آلمان زیر سؤال رفته است.

با این حال این روزها اردوی تیم ملی در سوئیس روبه پایان است و برانکو سرانجام توانسته فارغ از جنگال‌های مطبوعاتی در دور از چشم خبرنگاران سمجی که همه حرکات بازیکنان و کادر فنی را زیر نظر دارند، تیم را مرحله‌به‌مرحله پیش ببرد. برای برانکو البته هنوز سختی‌های دیگری وجود دارد؛ اعلام فهرست نهایی تیم ملی که امروز انجام می‌گیرد و قطعاً با موج تازه‌ای از اعتراض‌ها مواجه می‌شود. . . چیزی که باید تحمل‌اش کرد. به هر حال سال سال جام جهانی است!



AFP-عکس

فهرست نهایی مکزیک برای جام جهانی

جنجال آقای داماد

برترین هافبک‌های مکزیک نشان داده و در پست هافبک وسط دفاعی بسیار خوب کار می‌کند ولی لاوولیه هر کاری انجام داده، نتوانسته است او را به طور کامل در برنامه‌های خود جای دهد.

■ **آندرس گواردادو (باقی‌ماند)**

او جوان و بااستعداد است و در سمت چپ میدان می‌تواند هر کار تهاجمی و تدافعی‌ای را صورت دهد، ولی او هم مشکلی ویژه دارد و آن، نداشتن تجربه کافی برای چنین سطحی است.

■ ■ ■

و اما نفراتی که نهایتاً انتخاب شدند: اینها فقط نمونه‌هایی از کلیت کار در اردوی مکزیک بودند ولی مشکل اصلی لاوولیه این بوده که کدام‌یک از این نفرات بیشتر با سیستم‌های او همخوانی دارند. او نمی‌تواند فقط به قابلیت‌های فنی افراد چشم بدوزد زیرا امکان دارد آن بازیکنان نتوانند خواسته‌های تاکتیکی او را برآورده کنند و هر چه هم فن و کارایی تکنیکی داشته باشند، در عمل به‌درد تیم او و اجرای خواسته‌های گروهی وی نخورند. به عنوان مثال کاسترو و مندز بیشتر به خاطر قابلیت‌های تدافعی خود مدنظر هستند، اما از آنجا که ترکیب ثابت خط دفاعی با حضور مثلث سالسیدو، مارکز و اوسوریو مشخص شده است، بازی آنها به‌گونه‌ای «زیادی و تکراری» به نظر می‌رسد. اگر نظرها به سمت اریلانو برود، او مهارت فنی لازم را دارد و بازی تهاجمی‌اش هم چشمگیر است اما او در کارهای تدافعی ضعیف است. رافائئل گارسسیا بازیکنی است که مردم مسک‌زیک از حُذف او خوشحال می‌شوند زیرا او نه زی‌با بازی می‌کند و نه مردمدار است اما اگر نظر لاوولیه را می‌خواهید، باید بپذیرید که این مربی آرژانتینی اعتماد زیادی به وی دارد و مایل است از بازی قدرتی و فیزیکی او به نحو احسن و با بیشترین حد سود جوید. برآوردها و تصورات عمومی هر چه باشد، لاوولیه در هفته‌های اخیر بیشتر به خط میانی تیمش چشم داشته و مصمم به انجام تغییراتی در

با این حال ایراد او این است که به یک‌باره و بدون مقدمه نمی‌توان وی را وارد مهلکه جام جهانی کرد. اگر ابتدا به «کوپا آمریکا ۲۰۰۷» برود و پخته‌تر شود و سپس نفر تقریباً ثابت تیم ملی شود، بهتر خواهد بود.

■ **ماریو مندز (باقی‌ماند)**

مندز هم مثل کاسترو در هافبک راست بازی می‌کند و سرعت و استعدادش او را قادر ساخته که حتی در میادینی چون جام کنفدراسیون‌های ۲۰۰۵ حضوری خوش داشته باشد.

■ **کلودیو سوارز (باقی‌ماند)**

رودرکارد بازی‌های ملی تاریخ (با ۱۷۶ مورد) در ماه‌های اخیر همان قدر به جام هجدهم نزدیک نشان داده که از آن دور بوده است. در ۳۸سالگی دریایی از تجربه است اما آیا او در چنین سن و سالی کشش درخشش در میدانی چون جام جهانی ۲۰۰۶ را دارد؟

■ **خیمه‌لوزانو(خط‌خورد)**

چند سال پیش او را از مستعدترین و بهترین‌های فوتبال کونکاکاف برمی‌شمردند و ضربات آزاد تخصصی‌اش هم بسیار خوب بود اما فرم او در در یک سال اخیر آشکارا نزول کرده است. بازی‌های او به شکلی بود که ریکاردو لاوولیه دیگر اشتیاقی به استفاده از وی در ترکیب ثابت تیم از خود بروز نداده است.

■ **رافائل گارسیا (باقی‌ماند)**

او با دختر لاوولیه ازدواج کرده و داماد مربی تیم ملی مکزیک شده است و حتی قبل از آن به جام جهانی ۲۰۰۲ هم اعزام شده بود اما اگر انصاف و حق را می‌خواهید قابلیت فنی‌اش برای حضور در جام جهانی پیش رو کافی و کامل نیست و آمادگی لازم را ندارد. انتخاب او برای فهرست نهایی جنجال زیادی در مکزیک به پا کرد. او بازیکن محبوبی نیست و به دلیل قدرت تخریش در تیم ملی جا دارد، ضمن اینکه مسئله خوشاوندی با لاوایک اتهام جدی است.

■ **جراردو تورادو (باقی‌ماند)**

در ۵ سال اخیر یکی از

وصال روحانی : مکزیک حریف نخست ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ که ۲۷ روز بعد با تیم ملی کشور ما در خاک آلمان رودرو می‌شود، یکی از آخرین بازی‌های تدارکاتی‌اش را صبح شنبه در برابر جمهوری دموکراتیک کنگو در استادیوم ازتک مکزیکوسیتی انجام داد و به برتری ۱-۲ رسید. شاید کنگو در جدول جهانی فیفا فقط صاحب رتبه ۷۰ باشد اما حریف دست و پا بسته‌ای هم نشان نداد و حتی وقتی دو گل خورد توانست یکی از آنها را پاسخ گوید و قدری به میزبان فشار وارد کند. هر دو گل مکزیک را فرانسیسکو فونسکا که به او «کیکن» می‌گویند به ثمر رساند، اما این پایان قصه نبود. آنچه تمام افکار ریکاردو لاوولیه را ظرف ۷۲ ساعت اخیر به خود مشغول کرده بود، انتخاب ۲۳ نفر نهایی برای سفر به آلمان بود؛ کاری که در نهایت صورت گرفت اما انرژی و وقت زیادی را از این مربی گرفت.

مکزیک در ماه‌های اخیر چندین و چند اردوی مقطعی داشته است و پس از معرفی ۲۳ مسافر نهایی این کشور تدارکات اصلی‌تر شروع می‌شود و کار به سوی مراحل نهایی به پیش می‌رود.

لاوولیه در روزهای اخیر ۲۶ تن را در اردوی تدارکاتی خود داشته است و با این حساب او می‌بایست فقط ۳ نفر از خط می‌زد. بازی با کنگو یکی از آخرین فرصت‌ها برای حاضران در اردو و افراد در معرض خطر حذف شدن بود تا قابلیت‌های خود را نشان بدهند و از حذف شدن رهایی یابند. با این حال باید بپذیرفت که لاوولیه از چند هفته پیش حداقل ۲۰ نفر از ۲۳ نفر مورد نظرش را می‌شناخته است. در میان دروازه‌بان‌ها اوسوالدو سانچز، خوزه دی خسوس کورونا و گی‌یرمو اوچوا از قبل حضورشان در جام جهانی قطعی بوده است و هیچ رویدادی نمی‌توانست آن را متزلزل کند. در خط دفاعی هم رافا مارکز، کارلوس سالسیدو، گونزالو پنه‌را، ریکاردو اوسوریو و فرانسیسکو خاویرمازا رودریگز سرشناس به آلمان خدشه‌ناپذیر نشان داده است. در خط میانی نیز پاول پارδο، آنتونیو زینیو نائلسون، لوئیس پرز و رامون مورالس جزء مسافران حتمی بوده‌اند و در بین مهاجمان اردوی ملی در روزهای اخیر در بیشترین تردید و ترس به‌سر می‌برده‌اند. لاوولیه روی این نام‌ها تردید داشت.

■ **خوزه آنتونیو کاسترو (باقی‌ماند)**

یک هافبک راست بااستعداد و جوان و آینده‌دار.

□ **خبر آخر**

زندى: فعلاً فقط ورلدکاپ

فريدون زندى براىديدن بازى ايران با اشيپز با اتومبيل شخصى خود از آلمان به سوئيس آمد و بعد از بازى هم دو ساعت با برانکو به صحبت پرداخت. «بعد از اتفاقات تلخى كه در FCKبراي‌م به وجودآمده بود مى‌خواست‌م از شرايط موجود دور باش‌م و به اردو آمدم.»

اما فرى نتوانست در اردوى تيم ملي بماند و همان شب به آلمان برگشت. «روزهاى آخر مصدوميت‌م را طى مى‌كنم و بايد تمرينات اختصاصى انجام دهم و همه اينها را به برانكو گفته‌ام. شنبه به تهران مى‌آيم تا تمرينات‌م را با تيم ملي آغاز كنم.»
او حاضر نيست در مورد كاپرزسلترن حرفى بزند و همه آنها را فراموش كرده است: «... نه... نه... . همه آنها را فراموش كرد‌م. فعلاً فقط به ورلدكاپ فكر مى‌كنم.»

□ **مرگ يا زندگى؟**

برانكو امشب ليست تيم ملي را مى‌نويسد. استرس در تيم ملي بالا است، بازيكنان از هر طريقي مى‌خواهند بداندند قلم برانكو روى نام آنها مى‌چرخد يا نه. مسعود شجاعى يكى از آنهايى است كه استرس خود را نمى‌تواند كتمان كند. «زندگى ما به اين ليست بستگى دارد، واى اگر در ليست برانكو باش‌م و بروم جام جهانى ديگر تيم كامل است.»

او كه در اين دو بازى يك گل هم زده است دلش به اين گل پايد خوش باشد. «به خدا در اين دو بازى آنقدر دويد‌ام كه وقتى از بازى بيرون آمدم چشمم سياهى مى‌رفت ولي جلب كردن نظر برانكو خيلى سخت است، فقط پايد دعا كنم كه باش‌م همين، چون دستم جابى بند نيست.»

خيلي پد است كه شرايط آدم‌ها در اختيار خودشان نباشد و براى بودن يا نبودن پايد منتظر زمان باشند.

خودتان را بگذاريد جاي اين بچه‌ها... . خدا را شكر كه ما فوتباليست نشديم!

□ **حجازى: بچه خوبى بود**

ناصر حجازى از خير غافلگيركننده صبح پى‌خير است. او اولين مربى رضا حسن‌زاده در ماشين‌سازى بوده و خود حجازى نيز پاى حسن‌زاده را به فوتبال باز كرده است. پس طبيعى است كه از خبر فوت بازيكن سال‌هاى دورش شوكه شود. «درباره رضا نمى‌توان حرفى زد. اين‌قدر بچه خوب و بااخلاقى بود كه نمى‌دانم چه بگويم.» حجازى، حسن‌زاده را زمانى كه بيست‌ساله بود به ماشين‌سازى آورد و يك سال هم در سبزپوشان تبريز مربى او بود. «يك سال با من كار كرد و چون بازيكن بااستعدادى بود خيلى زود پيشرفت داشت. يك سال بعد هم به تيم ملي رسيد و در كويت بازى كرد.» حجازى آخر حرف‌هايش هم مى‌گويد: «خدا آدم‌هاى خوب را زودتر از اين دنيا مى‌برد و بد‌ها را نگه مى‌دارد.»